



جمع بندی کتاب

SUPER MINDS

4



آدرس سایت سفیر خرم آباد
Khoramabad.gosafir.com



اینستاگرام
[safir.khoramabad](https://www.instagram.com/safir.khoramabad)



شماره تماس آموزشگاه
۳۳۲۰۰۲۵۱ | ۳۳۲۰۰۲۶۱





Yes/no Questions simple present

برای گفتن اینکه در کاری خوب هستید یا نه از این ساختار استفاده می کنیم

Do + I/ you/ we/ they + simple verb

Does + she/ he/ it + simple verb

Example:

Do they go traveling every month?

Does she walk to home every day?



Wh Questions simple present

Where, When, What, Who, How +

Do + I/ you/ we/ they + simple verb

Does + she/ he/ it + simple verb

Example:

Where do they go?

Where does she read everyday?

When does he go to park?



Yes/no Questions simple past

Did + subject + simple verb

Example:

Did they buy a house last week?

Did he learn English last year?



Wh Questions simple past

Where, When, What, Who, How + did + subject + simple verb

Example:

What did they eat?

Where did you go ?

When did you go to cinema?



Must / Mustn't

Subject + must/ mustn't + Verb

کاربرد:

Must برای گفتن اینکه انجام کاری ضروری است.

Mustn't برای گفتن اینکه انجام کاری ممنوع است.

Example:

You **must** go to school.

You **mustn't** leave here.



Direct / Indirect object

Indirect object ها مفعول هایی هستند که در جواب چه کسی می آیند.

Direct object ها مفعول هایی هستند که در جواب چه چیزی می آیند.

Subject + verb + indirect object + direct object

Example:

I gave my friend a gift.

I gave her a book.

Indirect object به چه کسی کادو دادی؟ دوستم

Direct object چه چیزی کادو دادی؟ کتاب



Direct / Indirect object

subject	object
We	Us
They	them

subject	object
I	Me
You	You
She	Her
He	Him
It	it

Give me your pencil.

Who? Me (indirect obj)

What? Your pencil (direct obj)



but/so/and/because

اما = **But**

بنابراین = **So**

و = **And**

برای اینکه = **Because**

از این کلمات برای متصل کردن جمله ها به هم استفاده می کنیم.



Could / Couldn't

Subject + could/couldn't + verb

کاربرد: برای صحبت درباره ی کارهایی که در گذشته توانایی انجام آنها را داشتید یا نداشتید.

Examples:

I could paint a picture when I was 3.

She couldn't swim.



Past continues and questions

گذشته استمراری / سوالات گذشته استمراری

کاربرد: برای توصیف کاری که در یک زمان مشخص در گذشته در حال انجام بوده.

Subject + was/were + verb +ing

Example:

I was drinking orange juice last night.

where were you doing?

They were running.

Were They running?



Prepositions (At/In/On)

Example:

I was born **in** March.

We played **on** Sunday.

Let go to school **at** 7.

کاربرد:

At برای زمان دقیق

At 8 o'clock

In برای ماه، سال یا مکان بسته

In June, in 2020, in the room

On برای روزها و تاریخ ها

On Monday. On July 5



Past continues and past simple

گذشته استمراری / گذشته ساده

کاربرد: برای توصیف چند کار که همزمان در گذشته اتفاق افتادند اتفاقی که در حال انجام بوده گذشته استمراری و اتفاقی که در همان لحظه به پایان رسید گذشته ساده استفاده می کنیم.

Subject + was/were + verb +ing

Example:

I was doing my homework when the someone knocked the door.

I was doing my homework. (هنوز داشتم تکالیفم انجام می دادم) (تکالیف تمام نشده بود)

Someone knocked on the door. (یک نفر در زد و تمام شد)

They were playing golf when it started to rain.

They were playing golf (هنوز داشتند گلف بازی می کردند) (بازی تمام نشده بود)

It started to rain. (باران شروع به باریدن کرد) (تمام شد)



Used to / Had to

ساختار:

Subject + used to + Verb +...

Subject + had to + Verb +...

کاربرد:

used to برای چیزهایی که در گذشته عادت داشته ایم انجام بدهیم.

had to برای چیزهایی که مجبور بودیم در گذشته انجام بدهیم.

Example:

I used to play chess every day

We had to climb a tree.



Comparative and Superlatives

کاربرد: برای مقایسه یا حدس زدن بر اساس ظاهر چیزی

صف تهای تفضیلی یا **comparative adjectives** برای مقایسه دو چیز به کار می روند.

برای ساختن این صف تنها باید به تعداد بخ شهای صفت (بخش بخش کردن) مورد نظر توجه کنیم.

صفات تفضیلی یک بخشی در زبان انگلیسی:

comparative adj: adj + er

short - shorter

old - older



توجه کنید که در صف تهای یک بخشی اگر ساختار به صورت **cvc** باشد، یعنی یک حرف صدادار بین دو حرف بی صدا قرار گرفته باشد، حرف آخر کلمه قبل از اضافه شدن **er** تکرار می شود.

fat - fatter

hot - hotter

صفات تفضیلی دو بخشی و بیشتر در زبان انگلیسی:

comparative adj: more + adj

beautiful - more beautiful

important - more important

توجه کنید که در انگلیسی محاوره ای و بخصوص در انگلیسی امریکایی، گاهی اوقات صفات دو بخشی با **er** هم تفضیلی می شوند. در صورتی که شک داشتید که از **er** یا **more** باید استفاده کنید، از **more** استفاده کنید.

simple - simpler – more simple



صفات تفضیلی دو بخشی که به **y** ختم می شوند:
برای تبدیل صفت هایی که به **y** ختم می شوند، **y** را حذف کنید و **ier** به صفت اضافه کنید

comparative adj: adj - y + ier

pretty - prettier

busy - busier

صفات تفضیلی بی قاعده در زبان انگلیسی:

Good - better

Bad - worse

Far - farther/further

اگر خواستیم در یک جمله دو اسم را مقایسه کنیم، باید از **than** استفاده کنیم.

She is taller than you.

This cat is more polite than my dog.



گرامر صفت‌های عالی Superlative صفت‌های عالی یا superlative adjectives برای توصیف اس‌مهایی که بالاترین یا پایینترین حد صفت را در میان اعضا گروه دارند، به کار می‌روند. در واقع این صفت‌ها برای انجام مقایسه بین گروهی از چیزها استفاده میشوند. برای ساختن این صفت‌ها باید به تعداد بخ‌شهای صفت موردنظر توجه کنیم.

صفات عالی یک بخشی در زبان انگلیسی:

superlative adj: adj + est

quick - quickest

slow - slowest

توجه کنید که در صف‌تهای یک بخشی اگر ساختار به صورت CVC باشد، یعنی یک حرف صدادار بین دو حرف بی‌صدا قرار گرفته باشد، حرف آخر کلمه قبل از اضافه شدن **est** تکرار میشود.

hot - hottest

sad - saddest



صفات عالی دو بخشی و بیشتر در زبان انگلیسی:

superlative

Adj : the most + adj

beautiful - the most beautiful

interesting - the most interesting

توجه کنید که در انگلیسی محاوره ای و بخصوص در انگلیسی امریکایی، گاهی اوقات صفات دو بخشی با **est** هم تفضیلی می شوند. در صورتی که شک داشتید که

از **est** یا **most** باید استفاده کنید، از **most** استفاده کنید.

simple - the simplest - the most simple



صفات عالی دو بخشی که به **y** ختم میشوند:

برای تبدیل صفت هایی که به ختم می شوند، **y** را حذف کنید و **iest** به صفت اضافه کنید.

superlative

Adj : the + adj y + iest

happy - the happiest

easy - the easiest

صفات عالی بی قاعده در زبان انگلیسی:

good-the best

bad-the worst

far-the farthest/furthest

صفات عالی در اکثر اوقات با حرف تعریف **the** استفاده میشوند.

He is the tallest boy in our class.

This is the most beautiful flower I've ever seen.



Look like

از **look like** برای شباهت داشتن استفاده می شود.

پرسشی :

What + do/does + subject + look like

What does she look like?

جمله:

Subject + look(s) like

It looks like a monster.



Possessive pronouns

ضمایر ملکی در انگلیسی برای نشان دادن مالکیت به کار می روند و جایگزین اسم هستند. این ضمایر عبارتند از: **mine**, **yours, his, hers, its, ours**, به تفاوت **it's** مخفف **it is** یا **it has** با **its** دقت کنید. در استفاده از ضمایر ملکی، از آپاستروف (') استفاده نکنید (مانند **you're** که اشتباه است و باید **yours** باشد).

This pen is his.

Is this your pencil?

No , It's hers.

That dog is drinking water from its bowl.

That car over there is ours.



Who / Which / Where

Who برای افراد

Which برای اشیاء

Where برای مکان

The girl **who** is playing in the garden is my sister.

This is the car **which** I like to buy.

This is the mall **where** I bought this shirt.



A bottle / can / loaf /packet / piece of... /some

کاربرد: برای اندازه گیری یا اشاره به مقدار از یک چیز که غیر قابل شمارش هستند.

Example:

A bottle of milk

A can of soda

A loaf of bread

A packet of flour

Two pieces of pizza

Some water



How much...? / How many...?

کاربرد:

how much

برای اسامی غیرقابل شمارش

how many

برای اسامی قابل شمارش

در زبان انگلیسی **Countable nouns** این اسامی همانطور که گفته شد قابل استفاده به همراه اعداد هستند و فرم مفرد و

جمع دارند. فرم مفرد این اسامی با **a** و **an** می آیند و در فرم جمع به همراه **s** جمع می آیند. برای سوال کردن در مورد تعداد

این اسامی از کلمه **how many** استفاده می کنیم. به جدول اسلاید بعدی دقت کنید.



Countable nouns

Plural	Singular
Two horses	One horse
Three ducks Two doctors	One duck One doctor



نکته: برخی از اسامی قابل شمارش در حالت جمع S نمی گیرند و تغییر شکل می دهند. تعداد اسامی زیاد نیست و به راحتی می توان آنها را به خاطر سپرد. در جدول زیر به کاربردی ترین آنها اشاره کرده ایم



Uncountable nouns

اسامی غیر قابل شمارش در زبان انگلیسی اسامی غیر قابل شمارش هرگز با تعداد بیان نمی شوند. یعنی نمی توان آنها را شمارش کرد. این اسامی می توانند اسامی مفاهیم انتزاعی مانند صداقت، دشمنی و ... باشند یا مفاهیمی که به لحاظ فرم ظاهری قابل شمارش نیستند. مانند مایعات، گازها، پودرها و اسامی غیر قابل شمارش با فعل مفرد بیان می شوند و معمولاً فرم جمع ندارند.



جدول اسامی غیر قابل شمارش کاربردی در مکالمه:

Sugar	Rice	Research
Water	Air	Knowledge
Tea	Fear	Beauty
Rice	Love	Anger
money	information	safety



تشخیص قابل شمارش یا غیر قابل شمارش بودن اسم به لحاظ انتخاب تخصیص گر مناسب اهمیت دارد.

countable nouns

few, a few, many, how many

uncountable nouns

little, a little, much, how much

both countable and uncountable

some, any, a lot of

Example:

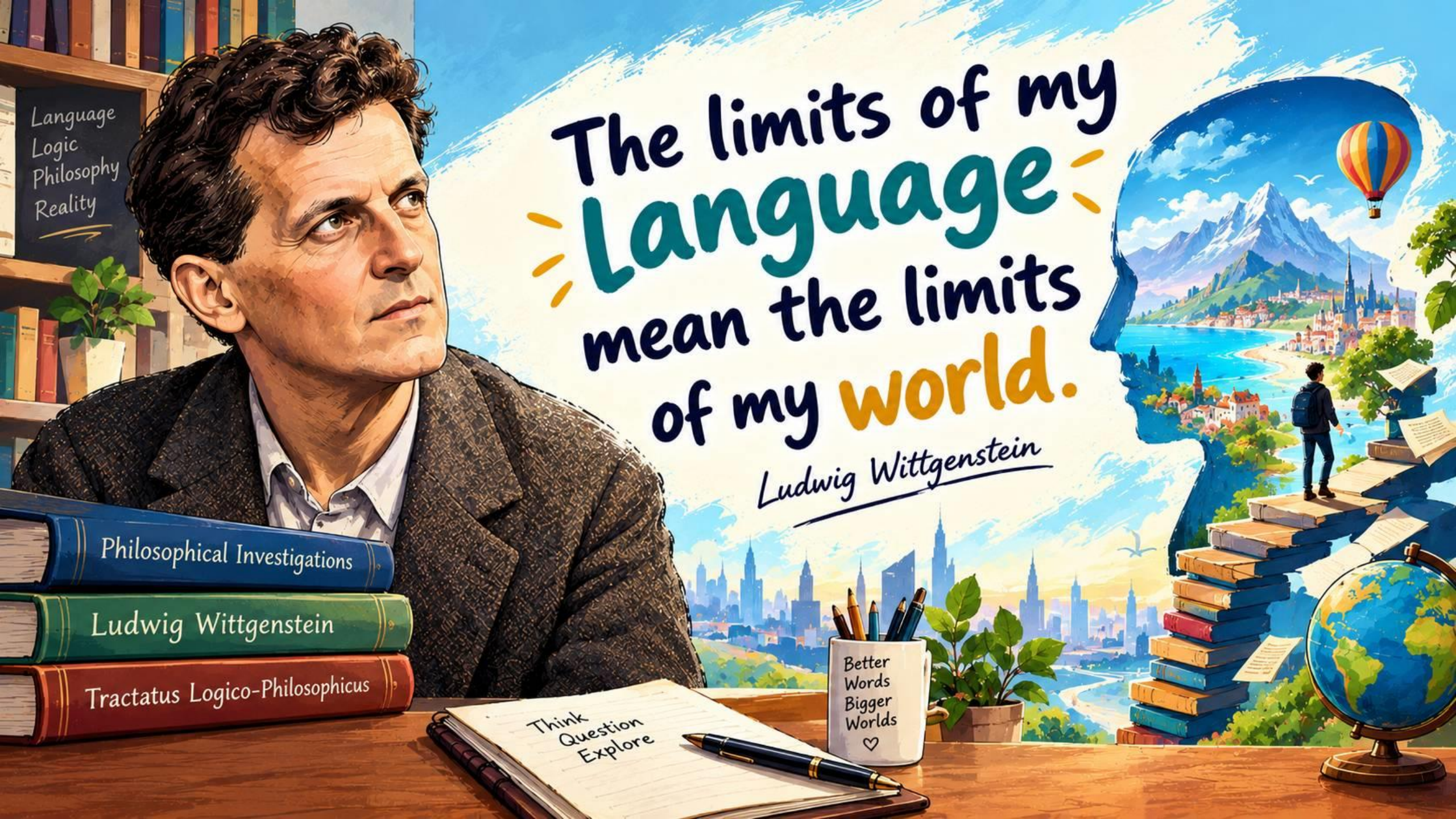
I'm making a few cups of coffee.

There's some bread on the table.

Have we got any jam?

How many tables do we need?

How much tea have we got?



Language
Logic
Philosophy
Reality

The limits of my
Language
mean the limits
of my **world**.

Ludwig Wittgenstein

Philosophical Investigations

Ludwig Wittgenstein

Tractatus Logico-Philosophicus

Think
Question
Explore

Better
Words
Bigger
Worlds
♡